

چه بگویم نگفته هم پیداست

(چه بگویم، نگفته هم پیداست
غمِ این عشق، مگریکی و دوتاست
به همم ریخته است گیسویی
به همم ریخته است مُدّت هاست) ۲

(یا بَرگرد، یا آن دل را بَرگردان
یا بنشین، یا این آتش را بنشان) ۲
آه ای جان، آه ای جان

یا بَرگرد، یا آن دل را بَرگردان
یا بنشین، یا این آتش را بنشان
آه ای جان، آه ای جان

یا بَرگرد، یا آن دل را بَرگردان
یا بنشین، یا این آتش را بنشان
آه ای جان، آخرتاکِی سَرگردان
آه ای جان، آه ای جان

(چه اُمیدی، پس از تو دردِ دل هاست
همه گویند، عُمر دستِ خداست
تَرسم از زندگی بعد از توست
مثلِ لَب تشنه‌ای که در صحراست) ۲

یا روحِ من را بیرون کن از تن
(یا بَرگرد، که این ماندن شد جان‌کندن) ۲
دل تنگم، عشقِ من

یا بَرگرد، یا آن دل را بَرگردان
یا بنشین، یا این آتش را بنشان
آه ای جان، آخرتاکِی سَرگردان
آه ای جان، آه ای جان

چه بَساطی، شُده‌ست در خانه
همه شمع و، عَلیست پروانه
بوی خون است، رویِ دستِ من
بوی یاس است، بَر رویِ شانه

یا در خانه با زینبِ گریانم
(یا شب‌ها در کوچه سَرگردانم) ۲
می‌بینی، حیرانم

یا بَرگرد، یا آن دل را بَرگردان
یا بنشین، یا این آتش را بنشان
آه ای جان، آخرتاکِی سَرگردان
آه ای جان، آه ای جان

چه بگویم، نگفته هم پیداست
غمِ این عشق، مگریکی و دوتاست
به همم ریخته است گیسویی
به همم ریخته است مُدّت هاست

(یا بَرگرد، یا آن دل را بَرگردان
یا بنشین، یا این آتش را بنشان
آه ای جان، آخرتاکِی سَرگردان
آه ای جان، آه ای جان) ۲

چه عزایی، شُده‌است هَر شبِ من
روضه‌ی توست، مانده بَر لبِ من
که قرار، من و توای بانو
لحظه‌ی التماسِ زینبِ من

(یا بَرگرد، یا آن دل را بَرگردان
یا بنشین، یا این آتش را بنشان
آه ای جان، آخرتاکِی سَرگردان
آه ای جان، آه ای جان) ۲

یا اَبَا الفَصل، برادَرِ تنه‌است
تیرو نیزه مگریکی و دوتاست
به همم ریخته‌ست فَرَقِ سَرَت
سَر تو رویِ شانه‌ی زهراست

می‌مانی، با پیگرِ صدپاره
می‌مانم، سَرگردان و آواره
می‌میرد، شیرخواره، شیرخواره

یا بَرگرد، یا آن دل را بَرگردان
یا بنشین، یا این آتش را بنشان
آه ای جان، آخرتاکِی سَرگردان
آه ای جان، آه ای جان

بادِ گرمی، و زید در گودال
شمر آمد، پَرید در گودال
به رویِ سینه‌ی حسینِ نِشست
خَنجَرش را کَشید در گودال

یا بَردار از رویِ حَنجَر، دِشنه
یا تَرگنِ لَب‌های این لَب‌تِشنه
واویلا، واویلا

ای حسین
(حسین، ای وای ای وای) ۳